



علم بهتر از ثروت نیست!

رضا طاهری تهرانی*

در این مقاله به سؤال قدیمی «علم بهتر است یا ثروت» با رویکردی جدید پاسخ داده شده است. در این رویکرد، دانش و ثروت به عنوان دو مقوله جدا از هم در نظر گرفته نمی‌شوند، بلکه دو صورت مختلف از یک واقعیت برتر هستند به نام «قدرت». همان‌گونه که صورت‌های متفاوت انرژی به یکدیگر تبدیل می‌شوند، این دو نیز می‌توانند به هم تبدیل شوند. این پدیده همان چیزی است که در شرکت‌های پیشرفته اتفاق می‌افتد؛ یعنی ثروت صرف نوآوری‌های علمی می‌شود و آن‌گاه فناوری جدید به کسب ثروت بیشتر می‌انجامد. این نگرش جدید، چیزی است که باید همه آموزگاران در جان فراگیرندگان بدمند، زیرا که باعث تولید ثروتی دانش‌محور و دانشی عملگرا می‌شود؛ چیزی که ما برای تحرک واقعی محیط علمی، کارآفرینی و افزایش درآمد ملی به آن نیاز داریم.

کلیدواژه‌ها: ثروت، دانش، قدرت، رابطه، فناوری

علم یا ثروت؟

اساس طرح شدن سؤال قدیمی «علم بهتر است یا ثروت» در جامعه ما نشان می‌دهد مردم علم و ثروت را جمع نشدنی یا ضد یکدیگر می‌دانند؛ به گونه‌ای که تنها یکی از این دو را باید انتخاب کرد. این رویکرد باعث جدا ماندن ثروتمندان و دانشمندان از یکدیگر می‌شود که در نتیجه، یا تولیدات دانش‌بنیان نیستند و یا دانشمندان از بنیة مالی مناسبی برای تولید بهره ندارند. من در ارتباطی که با دانش‌آموزان متوسطه دارم، دریافتم که این نگرش نه‌تنها در حال اصلاح نیست، بلکه ریشه‌ای عمیق‌تر یافته است.

یعنی علاوه بر این، «ثروت حرام» نیز که از راه‌های گوناگون ممکن است به دست آید، به محاسبات وارد شده است. به این معنا که دانش‌آموزان مصر هستند از هر راهی صاحب ثروت شوند و آن ثروت را با تأکید، بهتر از دانش می‌پندارند. در صحبت‌هایی که با همکاران در دانشگاه داشتم متوجه شدم، آن‌ها نیز دیدی روشن نسبت به این موضوع ندارند. لذا بر آن شدم به این سؤال قدیمی در کشورمان پاسخی بدهم که نتیجه تجربه سالیان دراز کار در محیط دانشگاه و جامعه است.

واقعیت برتر

در سال آخر تحصیلاتم در دوره دکترا، پای من به پروژه‌های برون دانشگاهی باز شد. دلیل این امر، علاقه وافر و همچنین پیشینه من در آشنایی با محیط کسب و کار در دوران خردسالی بود. دانش و تجربه‌ام باعث شد به سرعت به جلساتی که بین نوآوران و سرمایه‌گذاران برگزار می‌شد، راه یابم. در آن جلسات می‌دیدم، برخی با دانش فراوانشان در تلاش هستند نظر سرمایه‌گذارانی را جلب کنند که برخی از آن‌ها با وجود ثروت فراوان، از دانش بهره‌چندانی نداشتند. این وضعیت برای خود من نیز پیش آمده بود.

هنگامی که «آبباری زیرسطحی» را ساختم، برای تولید انبوهش به سرمایه‌گذار نیاز داشتم، زیرا خودم بودجه لازم برای این کار را نداشتم. تا اینکه عزیزی از راه رسید و بی آنکه حق ما را رعایت کند، با تقلید از سامانه‌های ما، چیز جدیدی ساخت و به بازار فرستاد. هر بار که این وضعیت پیش می‌آمد، به خودم ناسزا می‌گفتم که ای کاش من نیز مانند او سرمایه کافی داشتم تا مجبور نمی‌شدم وقتم را صرف مجاب کردن دیگران کنم. چند سالی گذشت و تجربه و ثروتم فزونی گرفت. در کش‌وقوس

* رئیس مرکز علمی-کاربردی پیران و کرون، اصفهان

دانش و ثروت گاه دو وجه از یک حقیقت، و قابل تبدیل به هم هستند

یعنی آنچه عامل و نتیجه توسعه است (عامری، ۱۳۸۰). ورود فناوری‌های جدید در تولیدات و امکان عرضه محصولات جدید نیز در صورت همراهی دانش و ثروت میسر خواهد شد (قاضی نوری، ۱۳۸۱).



دانش باید توسط حامل آن یا افرادی پس از او به عینیت درآید. در مواردی که عالمان قادر نیستند دانش خود را به فناوری و یا خدمتی ملموس تبدیل کنند، احتمالاً آن دانش را به کمال یاد نگرفته‌اند و اگر علمی است که بر هیچ دردی دوا نیست، مصداق علم بی‌فایده است. آنچه به عنوان نتیجه بیان می‌کنم این است که دانشوران، با اصلاح نگاه قدیمی خود، متوجه این موضوع باشند که دانش و ثروت گاه دو وجه از یک حقیقت، و قابل تبدیل به هم هستند. این نگرش جدید، جامعه ما را تحریک می‌کند تا دانش خود را به ثروتی حلال تبدیل کند. همان چیزی که دانش‌آموختگان ما و کشور ما به آن نیاز دارند؛ موتور محرکه‌ای برای دانشمندان و ثروتمندان ما که یکدیگر را دست کم نگیرند، بلکه بدانند صورت‌های متفاوتی از قدرت به آن‌ها ارزانی شده است و این دو با هم نتیجه‌ای هم‌افزا دارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. آنچه در کلاس‌های کنکور مشاهده می‌شود، تبدیل دانش به ثروت نیست. در این باب صحبت بسیار است. در بهترین حالت، آموختن تکنیک تست زدن است و در برخی دیگر متأسفانه فریفتن مشتریان بی‌خبر از همه جا.
۲. همه این‌ها را کنار این آیه قرآن بگذارید: «یا معشر الجن و الانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السماوات و الارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان» (الرحمن/۳۳). هر بار که این آیه را می‌خواندم، می‌دیدم که مترجمان در ترجمه دقیق کلمه «سلطان» فرو مانده‌اند. برخی آن را به دانش ترجمه کرده‌اند و برخی دیگر همان سلطان را نوشته‌اند. ولی اینک درک جدید من به درستی می‌گوید که شاید در این آیه، قدرت ترجمه مناسبی برای سلطان باشد. نفوذ در آسمان‌ها با دانش یا ثروت به تنهایی انجام شدنی نیست، بلکه به هر دوی آن‌ها نیاز است. کما اینکه می‌بینیم پروژه‌های فضایی ما به سبب کمبود بودجه، گاه متوقف شده‌اند. شاید بتوان آیه معروف ۸۰ سوره اسرا «وَقُلْ رَبِّ ادخلني مَدْخَلَ صِدْقٍ وَاخرجني مَخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَصِيْرًا» را نیز شاهد آورد. استاد فولادگر «سلطاناً نصیراً» را «تسلطی یاری‌بخش» ترجمه کرده‌اند، اما شاید اینجا نیز کلمه «قدرتی یاری‌بخش» ترجمه مناسب‌تری باشد.

منابع

۱. بر، دمبی (۱۳۸۳) تاریخ علم. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). تهران. چاپ سوم.
۲. مهدوی، محمدنقی (۱۳۸۵). فرهنگ توصیفی تکنولوژی. چاپار. تهران.
۳. جمشیدی‌ها، غلامرضا (۱۳۷۸) پیدایش نظریه‌های جامعه‌شناسی. دانشگاه تهران. چاپ دوم.
۴. عامری، فیصل (۱۳۸۰). «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نقش آن در انتقال تکنولوژی به کشورهای رشد یابنده». مجله پژوهش حقوق و سیاست. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران. شماره ۵.
۵. قاضی نوری، سید سپهر (۱۳۸۱). سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی علم و تکنولوژی: مطالعه موردی نانو تکنولوژی در ایران. نشر آشنا. تهران.

جلساتی که آن‌گونه برگزار می‌شد، گویا در حال درک مطلبی جدید در اعماق وجودم بودم. در درونم این سؤال مطرح می‌شد که چگونه می‌شود نظر جمع را راحت‌تر جلب کرد. در جلسات اتاق بازرگانی، گاه پیش می‌آمد که فرد خردمندی با استدلال علمی کار را پیش می‌برد

و گاه فرد سرمایه‌داری، به واسطه قدرت‌ش، همه چیز را به سمت خودش می‌کشید. ولی در این میان، تحصیل کرده‌هایی که ثروتمند بودند، قدرت بیشتری داشتند؛ گویا آخر جلسه، چشم همه به دهان آن‌ها دوخته می‌شد. مشاهدات دیگری نیز بودند که این حس مرا عمق می‌بخشیدند. مثلاً در بازار گاهی پیرمردانی سپید موی را می‌دیدم که بدون ثروت یا دانشی قابل توجه، اعتبار آن‌ها، کارگردان بازرگانی آن‌ها بود. در بازار می‌دیدم، کسی از پدرم تقاضای چک نمی‌کرد و اعتبار او در بازار به گونه‌ای بود که کسی تضمینی از او نمی‌خواست و خود او که بود، کافی بود.

وقتی این مشاهدات را کنار هم گذاشتم، قانونی کلی‌تر را درک کردم و آن هم جنس بودن و کامل‌کنندگی دانش و ثروت بود؛ همان‌گونه که در زندگی روزمره، مردم می‌توانند برای کسب دانش پول بدهند و گاه از دانششان پول درآورند. دقیقاً شبیه به اینکه انرژی پتانسیل آب پشت سد به برق تبدیل می‌شود و برق، آب را به بالا پمپاژ می‌کند. در اینجا بود که فهمیدم، این دو (یعنی دانش و ثروت) دو وجه متفاوت از واقعیت برتری هستند به نام قدرت.

شکل‌های پیدا و ناپیدای قدرت

در متن، از سه واژه دانش، ثروت و قدرت صحبت شد. با توجه به اینکه دانش مترادف «Technology» در نظر گرفته شده و نه «Science»، لازم است روشن شود که منظور من کدام یک است. برای دانش و فناوری تعریف‌های متعددی ارائه شده‌اند. دانش را می‌توان به آگاه بودن یا کشف قوانین حاکم بر هستی از مناظر متفاوت، مانند قوانین فیزیکی، شیمیایی، زیستی و غیره، تعریف کرد (دمبی‌بر، ۱۳۸۳). اما فناوری دانشی است که در قالب یک کالا یا یک خدمت به عینیت رسیده است (مهدوی، ۱۳۸۵).

در تاریخ تمدن، دانش به سرعت به فناوری تبدیل شده است؛ انسان خیلی زود از آتش برای روشن کردن غار و یا از سنگ برای شکار بهره برد (جمشیدی‌ها، ۱۳۷۸). اطلاعاتی که نتواند به صورت نرم‌افزاری یا سخت‌افزاری دیر یا زود به محصول جدیدی تبدیل شود، اطلاعاتی بی‌فایده است و کلمه دانش بر آن اطلاق نمی‌شود. اما قدرت به میزان آگاهی و توان فرد برای نفوذ در هستی تعریف می‌شود. لذا همان‌گونه که توضیح داده شد، شکل‌های آشکار قدرت عبارت‌اند از ثروت و دانش، و شکل‌های ناپیدای آن، قدرت سیاسی، قدرت کلام، قدرت خلاقیت، اعتبار خانوادگی و مواردی مانند این‌ها را شامل می‌شوند. اصلاح نگرش در باب همراهی و مکمل بودن دانش و ثروت، کاری است که می‌تواند به بهبود «بهره‌وری» ما در زندگی و کار بینجامد؛